

## خطوط مشترک سیاست حزب حکمتیست با جمع کاغذی بهمن شفیق، عباس فرد و امیر پیام

علی خدری - ۴ شهریور ۱۳۸۷

برای کسانی که تا به حال روشهای فعالیت و سیاستهای حزب کمونیست کارگری - حکمتیست را تعقیب کرده اند شکی وجود ندارد که فعل و انفعالات این حزب متناسب با استراتژی و سیاستهای دولت آمریکا در مورد ایران افت و خیز دارد.

"از آنجا که :

الف - خطر از هم پاشیدن بنیاد های زندگی مدنی و "عراقیزه" کردن جامعه ایران در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و یا بعد از آن توسط دارودسته های مسلح اسلامی، قومی و گانگسترهای سیاسی و همچنین و متحدین اش به یک خطر دائمی در ایران تبدیل شده است، ....  
.... داشتن پتانسیل و قدرت نظامی توسط حزب طبقه کارگر یک امر حیاتی تبدیل است و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای دادن پاسخ همه جانبه به این موقعیت "گارد آزادی" را تشکیل میدهد..." (۱)

"زمان تعرض گارد آزادی فرا میرسد

در حال حاضر عملیات نظامی در دستور گارد آزادی نیست. اما این فقط خصوصیت این دوره فعالیت گارد به شرایط سیاسی و اجتماعی در جامعه ما است. در صورت اجرای تهدید نظامی آمریکا و خطر فروپاشی شیرازه مدنیت جامعه ایران و جنگ قومی که ناقوس شومش به گوش میرسد تعرض گارد آزادی برای دفاع از مدنیت و انسانیت و آزادی و اتحاد مردم ضروری و حیاتی است."  
(۲)

حکمتیستها مبنای محاسبه استراتژیک شان را بر اختلاف آمریکا و رژیم اسلامی بنا کرده اند. یک استراتژی سوسیالیستی بر قدرت اتحاد و تشکل و آگاهی طبقه کارگر و گردآمدن جنبش های اجتماعی دیگر حول جنبش کارگری متکی است اما حکمتیستها به پیروی از نظرات "حزب و قدرت سیاسی" حکمت، وعده قدرت گرفتن مستقیم حزب را بر محاسبه سیاست آمریکا علیه رژیم اسلامی قرار داده اند. هر زمان تغییری در روش آمریکا نسبت به حکومت ایران مشاهده می شود، در همان روزهای اول تاثیرات آن در مقالات و تبلیغات لیبرال های حزب حکمتیست می توان مشاهده کرد. مثلا اگر برخوردهای تند و تهدید آمیز بین مقامات آمریکا و حکومت جمهوری اسلامی ایران رخ میداد، انقلاب حکمتیستها شعله ور میشد، و گارد آزادی برای سرنگونی جمهوری اسلامی آماده باش اعلام میکرد. یا بر عکس وقتی نرمشهایی در بین آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی دیده شد، رهبران

حزب حکمتیست مایوس شدند و لیدر مدرسی تحلیل از شکست جبهه سرنگونی طلبی را نوشت. البته هنوز جوهر نوشته شکست جبهه سرنگونی طلبی خشک نشده بود که تهدیدات جنگی آمریکا و اسرائیل علیه ایران مجدداً بالا گرفت و بار دیگر امیدی را در دل کورش مدرسی لیدر حزب حکمتیست ایجاد کرد. حزب حکمتیست در مورد خطر جنگ اطلاعیه داد و لیدرهای حزب حکمتیست در همان روزهای بعد از اطلاعیه "خطر جنگ" فراخوان آماده باش نیروهای حزب حکمتیست و گارد آزادی را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و خنثی کردن دستجات مرتجع و گانگسترهای اسلامی برای جلوگیری از هم پاشیده گی شیرازه جامعه را دادند اما بعد از یک هفته به هر دلیل اطلاعیه حزب حکمتیست در رابطه با شروع قریب الوقوع "خطر جنگ" از روی سایتها ناپدید شد.

### جمع کاغذی بهمن شفیق، عباس فرد و امیر پیام

با نگاه مختصری به مواضع و جهتگیری جمع بهمن شفیق، عباس فرد، امیر پیام و حزب کمونیست کارگری حکمتیست آشکار میتوان دید که اختلاف آمریکا با جمهوری اسلامی و بحث "حزب و قدرت سیاسی" مخرج مشترک روش و عمل کرد سیاسی آنها نیز است. جمع بهمن شفیق، عباس فرد، امیر پیام، یداله خسروشاهی و مرتضی افشاری در سیزده سپتامبر ۲۰۰۶ بیانیه ای تحت نام "تبیین سوسیالیزم معاصر" را منتشر کردند. با انتشار این بیانیه و اطلاعیه های بعدی که به امضای این ۵ نفر منتشر میشد نشان میداد که این جمع پنج نفره که در بیانیه اول مبانی سیاسی تشکیلاتی خود را بیان داشته اند فعالیت هماهنگ و مشترکی را شروع کرده اند.

سه نفر از جمع پنج نفره "بیانیه سوسیالیزم معاصر" امیر پیام، عباس فرد و بهمن شفیق با انتشار مطلبی تحت عنوان "روزگار سپری شده چپ کاغذی یا روزگار منحنی آذری و شرکا" که روی سایت "روزنه" سایت حزب کمونیست کارگری هم بود به کمپین فحاشی و دروغگویی حکمتیستها علیه اتحاد سوسیالیستی کارگری پیوستند. علت پیوستن بهمن شفیق، عباس فرد و امیر پیام به این فحاشی نکات مشترک دو مطلب "وضعیت فعلی و گامهای ضروری" منتشر شده در وبلاگ "تریبون مارکسیزم" و "روزگار سپری شده چپ کاغذی" نوشته ایرج آذری در جواب فحاشی و تهمت زنی جریان کمونیسم کارگری است که در دفاع از تحلیل "وضعیت فعلی و گام های ضروری" بود و تاکیدشان بر مرزبندی صریح تشکلهای علنی جنبشهای اجتماعی نظیر کارگری و دانشجویی و زنان علیه ماجراجوها و آوانتوریستها و همچنین فاصله گرفتن صریح و علنی این تشکلهای از نیروهایی است که هر یک به نوعی استراتژیهای متکی به مقابله آمریکا با جمهوری اسلامی است. امیر پیام، بهمن شفیق و عباس فرد نوشته اند:

"نویسندگان این دو مکتوب در آرزوی آن روزی هستند که تشکل های توده ای بتوانند در شرایطی دمکراتیک قطعنامه صادر کنند و طرفداران مشی چریکی و کسانی که منتظر به هم خوردن اوضاع در اثر دخالت آمریکا هستند را از صفوف خود بیرون کنند تا اگر ارتجاع حاکم کسی را دستگیر کرد، آن ها هم قطعنامه را نشان ارتجاع بدهند و از آن «خشونت» تبری جویند".

اولین بار نیست که بهمن شفیق از سیاستهای آمریکا در ایران دفاع میکند. بهمن شفیق همان کسی است که به تنهایی در طیف اپوزیسیون "چپ" ایران علنا طی مقالاتی به نام "پول، سیاست و طبقه" در سال ۱۳۸۵ از رابطه جنبش کارگری ایران با مرکز همبستگی آمریکایی و دریافت کمک مالی از آن دفاع کرد.

امیر پیام و بهمن شفیق یا نوشته های قبلی خود را نمی خوانند، یا وضع بدشان اقتضا میکند که تئوریهایشان را از فال گیرهای دوره گرد بگیرند. این دفعه این جمع به تئوریهای سیاسی نظامی کورش مدرسی دل بسته اند و از آن دفاع میکنند. بهمن شفیق و امیر پیام آوریل ۹۸ با انتقاد از تئوری "حزب و قدرت سیاسی" از حزب کمونیست کارگری استعفا دادند، اما امروز برای توجیه سیاستهای راستشان خجولانه به آن برگشته اند. این جمع (بهمن شفیق، عباس فرد و امیر پیام) که هم صدا با گرایش راست جنبش کارگری که ایجاد تشکل بدون اجازه کارفرما و دولت را چپ روی و رادیکال می دانستند و همین عباس فرد که در مقاله ای به نام "تصمیم شتاب زده کمیته ی پیگیری، یا شتاب زدگی در جایگزینی حقیقت و حیثیت"، در اردیبهشت ۸۶، کمیته پیگیری را به دلیل مخالفت با نامه دادن به وزارت کار مورد انتقاد قرار داد و آنرا چپ روی دانست، حال به مخالفت با موضع گیری صریح تشکلهای کارگری و دانشجویی با جریانات مسلح و ماجراجو و آوانتوریست بر خاسته اند!

مرکز همبستگی کارگری "Solidarity centre" یک نهاد آمریکایی است. این نهاد مستقیم زیر نظر "CIA" برای نفوذ در جنبش کارگری و به فساد کشاندن جنبشهای کارگری فعالیت میکند. با مشاهده تلاشهایی از طرف مرکز همبستگی آمریکای در رابطه با ایران، از طرف فعالین گرایش سوسیالیست کارگری در ایران برای خنثی کردن توطئه این نهاد ضد کارگری تلاشهایی صورت گرفت. در همین زمینه رضا مقدم مقاله ای تحت نام "خطر فساد در جنبش کارگری" (نشریه به پیش، مهر ۱۳۸۵) نوشت و در آن به فعالین جنبش کارگری نسبت به خطر فساد در هرگونه دریافت کمک مالی از مرکز همبستگی آمریکایی هشدار داد. در رابطه با مقابله با نهاد ضد کارگری مرکز همبستگی آمریکایی از طرف "اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران" جلساتی برگزار شد که اکثریت اعضا بر علیه هرگونه رابطه ای با مرکز همبستگی آمریکایی موضع گرفتند اما امیر پیام به اتفاق بهمن شفیق نیز که در این جلسه حضور داشت با انتشار اطلاعیه "اتحاد بین المللی ... علیه" مرکز همبستگی آمریکایی مخالفت کردند.

بهمن شفیق با اقدام جسورانه "اتحاد بین المللی ... " در انتشار بیانیه علیه "مرکز همبستگی آمریکا" مخالف بود اما بجای انتقاد به اطلاعیه "اتحاد بین المللی ... " به مقاله "خطر فساد در جنبش کارگری" از رضا مقدم که چندین ماه قبل تر منتشر شده بود، حمله کرد و علنا از دریافت کمک مالی فعالین جنبش کارگری ایران از مرکز همبستگی آمریکایی دفاع کرد. در جلسه "اتحاد بین المللی ... " مرتضی افشاری و یداله خسروشاهی که با بهمین شفیق و عباس فرد و امیر پیام بیانیه سوسیالیسم معاصر را منتشر کرده اند، بر لزوم موضع گیری علنی "اتحاد بین المللی ... " علیه مرکز همبستگی آمریکایی پافشاری می کردند.

عباس فرد نیز که نفر سوم امضا کننده متن مورد بحث است در دیماه سال ۱۳۸۶ مقاله ای به نام "کندو کاوی در ماهیت جنگ و کمیته ضد جنگ" در سایت سلام دمکرات نوشت و در آن "تمام حاملین و مبلغین" "فراخوان ضد جنگ" در ایران را "ستون پنجم حکومت اسلامی" نامید که یکی از افراد اصلی آنها ناصر زرافشان بود. به این نوشته عباس فرد انتقاداتی صورت گرفت و سایت "سلام دمکرات" ناچار شد طی سرمقاله ای به نام "لومپنیسم و انتقاد از خود" از درج این نوشته عذر خواهی کند.

دفاع از مرکز همبستگی آمریکایی و مخالفت با جنبشهای ضد جنگ، سیمای سیاسی جمع "منتظر به هم خوردن اوضاع در اثر دخالت آمریکا" را ترسیم می کند و دلایل سیاسی فحاشی هایشان به همین خاطر است. بیعتشان با لیدرهای حزب حکمتیست از همین رو است. با عجله میروند تا از قافله آینده سازان جا نمانند.

آنچه فعالین سوسیالیسم معاصر را با حکمتیستها همصدا کرده است، مبنای مشترک محاسبه استراتژیک شان بر اختلاف آمریکا و رژیم اسلامی است. اینها که از فعالین و مدافعان گرایش راست جنبش هستند، هم ایجاد تشکل کارگری بدون اجازه دولت و کارفرما را چپ روی می دانند، هم از نامه نوشتن به وزارت کار دفاع می کنند و هم از فعالیت مسلحانه گارد آزادی حکمتیستها! به تناقض این دو موضع کاملا متضاد یک استراتژی مشترک پایان میدهد. فعالین سوسیالیسم معاصر و حکمتیستها هر دو بجای اتکای تام و تمام بر نیروی اتحاد و تشکل کارگران و متحدانشان در جنبش های اجتماعی دیگر بر فضا و نتایج مخالفت آمریکا با رژیم اسلامی حساب باز کرده اند. این دو "**منتظر به هم خوردن اوضاع در اثر دخالت آمریکا هستند**".

زیر نویس:

1 - قرار مصوب پلنوم سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری -  
حکمتیست، اکتبر ۲۰۰۵

2 – مظفر محمدی، "گارد آزادی، از ذهن تا واقعیت"، ۲۵ تیر ماه ۱۳۸۵ (۱۶ ژوئیه ۲۰۰۶)